



دانشگاه پیام نور

واحد تهران جنوب

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان پایان نامه:

بررسی قتل‌های ارتكابی توسط شخص صغیر و مجنون در نظام قضایی ایران و انگلیس

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا جمشیدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدرضا الهی منش

نگارنده: مجتبی قربانی

شهریور ۱۳۹۲

چکیده :

آمارها نشان می‌دهد که اطفال و مجانین به میزان قابل توجهی دچار بزهکاری و انحراف می‌شوند و از آن‌جا که بخشی از جمعیت کشور را اطفال و مجانین تشکیل می‌دهند، و از طرفی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم علم حقوق بخصوص حقوق جزا مسألهٔ مسؤولیت می‌باشد لازم است این مهم توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرد. قتل عمدیک انسان نیز بدون تردید مهم‌ترین و در عین حال جبران‌ناپذیرترین جرم از نگاه شرع، قانون و جامعه است.

موضوع مسؤولیت صغار و مجانین با توجه به حمایت قانون از ایشان از مباحث مهم حقوق مدنی و کیفری است. مسؤولیت ایشان از دیدگاه جزایی به واسطه فقدان عنصر معنوی تحقق‌پذیر نمی‌باشد.

در حقوق کیفری صرف رفتار خارجی فرد اگرچه منطبق با تعریف قانونی عملیات مجرمانه جرم می‌باشد خاص نمی‌تواند سبب مجرم شناختن مرتکب عمل گردد، چراکه ارتکاب هر عملی که نقض مقررات و قانون تلقی می‌شود باید مبتنی بر اراده، آگاهی و اختیار فرد مرتکب و به تعبیری تحقق عنصر روانی باشد. شخصی که حین ارتکاب جرم فاقد قوهٔ تمیز است نمی‌تواند مسئول بزه انجام یافته باشد. لذا، کودک و یا مجنونی را که فعل مجرمانه ای مرتکب می‌شوند به دلیل اینکه در محدوده

مسؤولیت پذیری قرار ندارند، نمی‌توان برای جرم انجام یافته کیفر داد. به عبارت دیگر توان تحمل بار مسؤولیت و به تبع آن مجازات در این شرایط وجود ندارد. در فقه اسلامی، بر اساس روایات مرسوم به «رفع قلم»، عدم مسؤولیت صغار و مجانین مورد تاکید قرار گرفته است در حقوق انگلیس نیز، بر اساس قواعد پذیرفته شده، اطفال و نوجوانان و نیز مجانین از مسؤولیت کیفری مبرا گشته اند.

در حقوق انگلیس، عقیده بر این است که صغیر و مجنون (Minor and Insane) بهیچوجه مرتکب قتل نمی‌توانند بشوند زیرا آنها فاقد توانائی ارتکاب جرم هستند. بررسی ریشه ای مسائل اطفال

و مجانین و از آن جمله بزهکاری این اشخاص، برای رسیدن به یک جامعه ای ایده آل شرطی ضروری است. از آن‌جا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال و مجانین با اشخاص عاقل متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می‌باشند، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود.

برای پیشگیری از جرم در مورد کودکان بزهکار و مجانین به جای تحمل هزینه های نگهداری وی بهتر است او را به چشم یک آسیب دیده اجتماعی بنگریم و با بررسی شرایط خانوادگی، محیط زندگی و ارتباطات فرد، با یاری مددکاران اجتماعی، آسیب شناسان و روان شناسان مانع تربیت و پرورش ناصحیح او شویم. کمبودها و ناکامی هایش را جبران و دردهایش را التیام بخشیم. در این

صورت علاوه بر آن که از بزهکار ماندن کودک و مجانین و وقوع جرم های آتی جلوگیری می شود از تاثیراتی که می تواند در میان همسالان و هموعانش داشته باشد نیز پیشگیری می شود . اهمیت توجه به شخصیت و حیثیت اطفال در هنگام رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط آنان و جلوگیری از تجری آنها، ایجاب می کند که قانونگذار تشریفات رسیدگی خاصی را که با دقت نظر در روحیه و شخصیت اینگونه اشخاص تدوین گردیده است، در حین رسیدگی به جرایم آنها لحاظ نماید. اما، باید گفت عدم مسئولیت جزایی طفل و مجنون بدین معنی نیست که آنها را کاملاً رها کنند.

کلمات کلیدی :

اطفال، مجنون، بلوغ، مسئولیت کیفری، قتل، نظام قضایی ایران و انگلیس.

فهرست مطالب

۱.....		مقدمه
۲.....		الف: بیان مساله
۳.....		ب: هدف
۳.....		ج: سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۳.....		د: سوالات اصلی
۳.....		ه: فرضیه ها
۴.....		و: کاربرد تحقیق
۴.....		ز: روش تحقیق
.....		ی: ساختار تحقیق.....
.....		۴.....
۴.....		فصل نخست: مفاهیم و پیشینه تاریخی
۵.....		مبحث نخست: مفاهیم
۶.....		گفتار نخست: طفل
.....		گفتار دوم: بلوغ
۸.....	
۱۰.....		گفتار سوم: جنون
۱۳.....		گفتار چهارم: مسئولیت
۱۵.....		گفتار پنجم: قتل
۱۷.....		مبحث دوم: پیشینه تاریخی
۱۸.....		گفتار نخست: اطفال
.....	عمومی	مجازات
.....	قانون
.....	بند نخست:
.....	مصوب ۱۳۰۴.....
۲۷.....		الف- اطفال کمتر از ۱۲ سال
۲۸.....		ب- اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال
۲۸.....		ج- اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال

بند دوم: قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال	بزهکار مصوب ۱۳۳۸.....	۲۸
الف- اطفال کمتر از ۶ سال	۲۹
ب- اطفال بین ۶ تا ۱۲ سال	۲۹
ج- اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال	۳۰
د- اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال	۳۰
بند سوم: قانون مجازات عمومی	مصوب ۱۳۵۲.....	۳۰
بند چهارم: قوانین مصوب بعد از انقلاب اسلامی	۳۲
بند پنجم: سیستم جدید دادرسی اطفال	در انگلیس.....	۳۴
الف. اهداف دادرسی اطفال در انگلیس	۳۴
ب. ارکان جدید دادرسی اطفال در انگلیس	۳۵
گفتار دوم: مجانین	۳۷
بند نخست: جنون	۳۸
در گذشته.....	۳۸
بند دوم: جنون	۳۹
در عصر حاضر.....	۳۹
فصل دوم: مسئولیت کیفری اطفال و مجانین در قوانین و مقررات ایران و انگلیس	۴۲
مبحث نخست: قوانین و مقررات ایران	۴۳
گفتار نخست: اطفال	۴۴
گفتار دوم: مجانین	۵۱
مبحث دوم: قوانین و مقررات انگلیس	۶۱
گفتار نخست: اطفال	۶۲
بند نخست: قوانین کنونی انگلیس در حمایت از اطفال	بزهکار.....	۶۵

.....۶۵.....	قوانین	بند دوم:
.....۶۶.....	قوانین	ماهوی
.....۶۷.....	سن	بند سوم:
.....۶۸.....	مستولیت	شکلی
.....۶۹.....	کیفری	بند چهارم:
.....۷۰.....	در حقوق	انگلیس
.....۷۱.....	گفتار دوم	گفتار دوم:
.....۷۲.....	مجانین	بند نخست: پیش از دادرسی
.....۷۳.....		بند دوم: در ابتدای دادرسی
.....۷۴.....		بند سوم: حین
.....۷۵.....		دادرسی
.....۷۶.....		فصل سوم: پاسخ به بزهکاری اطفال و مجانین مرتکب قتل در نظام قضایی ایران و انگلیس
.....۷۷.....		مبحث نخست: در قوانین و مقررات ایران
.....۷۸.....		گفتار نخست: قتل و انواع آن
.....۷۹.....		بند نخست: قتل خطئی محض
.....۸۰.....		بند دوم: قتل ارتكابی توسط صغیر و مجنون
.....۸۱.....		گفتار دوم: اطفال
.....۸۲.....	مرتكب	بند نخست: نحوه مجازات اطفال و نوجوانان
.....۸۳.....		قتل
.....۸۴.....	جدید مجازات	بند دوم: قانون
.....۸۵.....	اسلامی	بند سوم: خلاصه ای از یک پرونده و سیر رسیدگی به آن
.....۸۶.....		بند چهارم: دادگاه مرجوع الیه به موجب رأی شماره ۱۱۰ - ۷۳/۲/۱۱
.....۸۷.....		گفتار سوم: مجانین

بندنخست:	شرایط	تحقق	جنون	ن	وضابطه	تشخیص
آن.....	۱۰۰.....					
الف:	تقارن زمانی جنون باجرم ارتكابی					۱:۱.....
ب:	تلازم جنون باجرم					۱:۱.....
بنددوم:	پاسخ	به	بزهکاری			
مجنون.....	۱۰۲.....					
الف:	جنون درحین ارتكاب جرم :					۱:۲.....
ب:	جنون حادث پس از ارتكاب جرم :					۱:۳.....
ج:	جنون حادث پس از صدور حکم :					۱:۴.....
مبحث دوم:	در حقوق انگلیس					۱:۱.....
گفتار نخست:	اطفال					۱:۱.....
بندنخست:	رویکرد حقوق	انگلستان	به	بزهکاری		
اطفال.....	۱۱۵.....					
بنددوم:	دگرگونیهای					
بنیادین.....	۱۱۶.....					
گفتار دوم:	مجانین					۱:۱۹.....
نتیجه گیری و پیشنهادات						۱:۳۰.....
منابع.....						۱:۳۷.....

مقدمه

ارتکاب جرم در شرایط عادی موجب مسئولیت جزایی است مگر اینکه مجرم، گاه به دلایلی بیشتر ذهنی، نتواند بار مسئولیت را تحمل کند. در این شرایط می گویند: نمی توان جرم را به مجرم نسبت داد و لذا، مسئولیت او زائل می گردد و شخصی که حین ارتکاب جرم فاقد قوه تمیز است نمی تواند مسئول بزه انجام یافته باشد. لذا، کودک و یا مجنونی را که فعل مجرمانه ای مرتکب می شوند به دلیل اینکه در محدوده مسئولیت پذیری قرار ندارند، نمی توان برای جرم انجام یافته کیفر داد. به عبارت دیگر توان تحمل بار مسئولیت و به تبع آن مجازات در این شرایط وجود ندارد. در فقه اسلامی، بر اساس روایات مرسوم به «رفع قلم»، عدم مسئولیت صغار و مجانین مورد تاکید قرار گرفته است: «رفع القلم عن الثلاثه: عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یستيقظ»^۱ در حقوق انگلیس نیز، بر اساس قواعد پذیرفته شده، اطفال و نوجوانان و نیز مجانین از مسئولیت کیفری مبرا گشته اند.

اما، عدم مسئولیت جزایی طفل و مجنون بدین معنی نیست که آنها را کاملاً رها کنند، بلکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال ممکن است تربیت طفل را به عهده سرپرست او بگذارد و چنانچه مقتضی بداند این وظیفه را بر عهده کانون اصلاح و تربیت اطفال قرار دهد. همچنین، در خصوص مجنونی که مرتکب قتل شده است، ممکن است دادگاه حکم به تادیب و ی ان نگهداری وی در محل مخصوصی بدهد. لذا، در این متن بطور جداگانه به بررسی نحوه برخورد و مجازات اشخاص صغیر و مجنونی که مرتکب قتل شده اند، در حقوق ایران و انگلیس خواهیم پرداخت.

^۱ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴- نقل از حسین میر محمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، ۱۳۹۰، نشر میزان، ص ۲۷۵.

الف: بیان مساله

کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده ی سلامت جامعه در آینده است . بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت . بررسی ریشه ای مسائل اطفال و مجانین و از آن جمله بزهکاری این اشخاص ، برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است . از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالادست حقوقدانان و جرم شناسان ، موضوع بزهکاری اطفال و مجانین و نحوه مقابله با آن و شیوه های انحراف و کجروی آن ها در جامعه می باشد . از آن جا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال و مجانین با اشخاص عاقل متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می باشند ، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود .

قتل عمدیک انسان بیگناه بدون تردید مهم ترین و در عین حال جبران ناپذیری ترین جرم از نگاه شرع، قانون و جامعه است. لذا از سالیان دور و در نظامهای حقوقی مختلف سنگین ترین مجازاتها برای مرتکبان آن پیش بینی شده است . با این حال در موارد متعددی شرایطی خاص من جمله وضعیت مرتکب یا مجنی علیه وصف عمدی بودن را از عمل مرتکب برداشته و آن را از دایره قتل عمدی خارج کرده است.

شخصی که فاقد قوه ادراک و اختیار باشد مسئول رفتار خود نیست در قبال امر و نهی

قانونگذار تکلیفی ندارد چرا که امر و نهی قانونگذار برای کسانی است که دستورات او را می فهمند و توانایی اجابت آن را دارند . کسی که فعل قتل را دانسته انتخاب می کند شایسته ملامت و مجازات بیشتری است . به همین دلیل مجنون و نابالغ که خوب و بد اعمال خود را درک نمی کنند و یا شناخت این دو برایشان سخت است از مسئولیت کیفری مبرا هستند . بنابراین وضع روانی فاعلان جرم در قضاوت نسبت به افعال آنان موثر است.

از آنجا که مسأله ی قتل ارتكابی از سوی صغیر یا مجنون مسأله ای بسیار پیچیده است که هنوز هم راه حل هایی را برای مجرمان به وجود آورده که از قانون بگریزند، در این تحقیق می خواهیم این مسأله را در مقررات و قوانین ایران و انگلیس مورد بررسی قرار دهیم تا در انتها بتوانیم راه حل هایی را پیشنهاد کرده و در نتیجه در راستای تحقق عدالت اجتماعی گام برداریم.

ب:هدف

تبیین کامل از مسئولیت کیفری شخص صغیر و مجنون در نظام قضایی ایران و انگلیس در صورت ارتکاب قتل و واره راهکارهای مناسب در جهت بر طرف نمودن نواقص و ابهامات موجود در مواد قانونی مربوطه و نتیجتاً نگاهی صحیح به شخص مرتکب و نیز وجود اثری مدون منحصر در خصوص موضوع مطروحه.

ج:سابقه و ضرورت انجام تحقیق

علیرغم آنکه قانونگذار جمهوری اسلامی ایران موادی از قانون مجازات اسلامی را به این موضوع اختصاص داده و حقوقدانان نیز در کتب خویش اجمالاً به این موضوع پرداخته اند اما با وجود ابهاماتی که نسبت به مواد مربوطه و جزئیات موضوع مطروحه وجود دارد تا به حال تحقیق جامعی که منحصر در خصوص عنوان پایان نامه و در راستای رفع ابهامت موجود صورت گرفته باشد مشاهده نگردیده و مطالب مدونی در این باره وجود ندارد.

د:سوالات اصلی

۱. آیا امکان قصاص نفس شخص صغیر و مجنون بلحاظ ارتکاب قتل عمدی در نظام قضایی ایران و انگلیس وجود دارد؟
۲. آیا امکان مجازات شخص صغیر و مجنون بلحاظ ارتکاب قتل غیر عمدی در نظام قضایی ایران و انگلیس وجود دارد؟
۳. پرداخت دیه در قتل های ارتكابی از سوی شخص صغیر و مجنون به عهده چه کسی است؟

ه:فرضیه ها

۱. قتل عمد توسط شخص صغیر و مجنون در نظام قضایی ایران و انگلیس موجب قصاص نفس نیست.
۲. شخص صغیر و مجنون بلحاظ ارتکاب قتل غیر عمد در نظام قضایی ایران و انگلیس مجازات نمی گردند.
۳. مسئولیت پرداخت دیه در نظام قضایی ایران و انگلیس در قتل های ارتكابی از سوی شخص صغیر و مجنون به عهده عاقله است.

و: کاربرد تحقیق

رفع ابهامات موجود در مواد قانونی و جزئیات موضوع مطروحه و مسائل مرتبط و نتیجتاً تحلیل و برخوردی منطقی قانونی و صحیح رسیدگی و شناسایی شخص مسئول و صدور حکم و اجرای مجازات در راستای اجرای عدالت برای اشخاصیکه به نحوی از انحاء با چنین مواردی مواجه می‌باشند.

ز: روش تحقیق

این تحقیق که از نوع توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای است، به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این تحقیق به بررسی قانون مجازات اسلامی در ایران و نیز مجموعه‌ای قوانین و مقررات انگلیس پرداخته و با استفاده از روش تطبیقی آنها را با هم مقایسه می‌کنیم و در انتها نتیجه‌گیری می‌کنیم.

ی: ساختار تحقیق

در فصل اول تحقیق به بررسی مفاهیم اصلی، مبانی نظری و پیشینه‌ی تاریخی تحقیق می‌پردازیم. که در این بین قوانین جزایی را در ایران و انگلیس در دو بخش اطفال و مجانین مورد بررسی قرار می‌دهیم. فصل دوم تحقیق به بررسی مسئولیت کیفری اطفال و مجانین در قوانین و مقررات ایران و انگلیس اختصاص دارد. همچنین در فصل سوم به بحث و بررسی مجازات اطفال و مجانین در صورت ارتکاب جرم مورد نظر که قتل می‌باشد، می‌پردازیم و در پایان به بحث و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

فصل نخست

مفاهیم و پیشینه تاریخی

مبحث نخست: مفاهیم

پرداختن به مسائل حقوقی نیازمند شناخت واژه ها و اصطلاحات حقوقی است. بشر از ابتدای خلقت خویش برای رفع نیازهای عاطفی، مادی و اجتماعی خود به همزیستی با همنوعان خود محتاج بوده و تا آنجا که تحقیقات نشان می دهد انسانها همیشه به صورت گروهی زندگی می کردند . نیازهای مشابه باعث به وجود آمدن پدیده ی اجتماعی می شود . بنابراین می توان گفت انسان ذاتاً اجتماعی است . برای آنکه این اجتماعات حفظ شود باید اصول و قواعدی بر ر وابط انسان ها حکومت و نظارت داشته باشد و این اصول و قواعد به تایید همگان رسیده و شناخته شده باشد.

گفتار نخست: طفل

سن مسوولیت کیفری اطفال را باید یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی مربوط به حقوق کودک در ایران دانست، این امر بدان دلیل است که از یک سو با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه و تبعیت قانون گذار ایرانی از نظریه مشهور فقهای شیعه در تدوین و تصویب قوانین موضوعه، تعیین سن خاصی بعنوان سن بلوغ شرعی، مبنای شناسایی مسوولیت کیفری برای اطفال بزهکار گردیده است و از سوی دیگر بواسطه الحاق ایران به کنوانسیونها و میثاقهای مختلف بین المللی و لزوم عدم تعارض قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیونها و میثاقها و تعریف خاصی که از کودک در این مراجع بعمل آمده است و مآلاً تعارض قوانین و مقررات داخلی با مقررات این میثاقها و کنوانسیونها، انتقاداتی بر نظام کیفری ایران در این زمینه وارد گردیده و انگشت اتهام نقض حقوق بشر را نیز در این خصوص متوجه ایران نموده است. شاید در بادی امر ارائه تعریفی از کودک، ساده به نظر آید لیکن در قالب مباحث حقوقی و با در نظر گرفتن قواعد شرعی و قوانین داخلی و بین المللی ارائه تعریفی از کودک مشکل خواهد بود.

در حقوق داخلی ایران و مستنبط از قوانین و مقررات موجود، طفولیت نقطه مقابل بلوغ است و طفل در مقابل بالغ قرار می گیرد. به عبارتی دیگر در حقوق ایران افراد به لحاظ سنی به دو دسته کلی طفل و بالغ تقسیم می گردند و یا صغیراند علی کبیر. تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و تبصره ۱ ماده ۲۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری منظور از طفل را کسی دانسته که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

ملاحظه می گردد که در هر دو تبصره مواد مذکور طفل به معنی صغیر و در مقابل بلوغ قرار گرفته است. تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.» که در محاسبه آن به سال شمسی سن بلوغ پسر ۱۴ سال و ۷ ماه و در خصوص دختر ۸ سال و ۹ ماه خواهد بود که ملاحظه می گردد نه در قانون مجازات و نه در قانون مدنی، طفل تعریف واحدی ندارد و تعریف طفل بر حسب جنسیت او تفاوت پیدا می کند. اما نکته قابل توجه آن است که آیا هر فرد بالغی بزرگسال نیز هست یا خیر؟ و به عبارتی دیگر آیا بلوغ مساوی با بزرگسالی است؟ همچنین آیا میان طفل و کودک به لحاظ منطقی رابطه تساوی برقرار است یا عموم و خصوص مطلق؟

اگر بلوغ مساوی با بزرگسالی باشد در این صورت رسیدن به سن بلوغ مساوی است با ورود به بزرگسالی و همچنین اگر بین طفل و کودک رابطه تساوی برقرار باشد؛ در این صورت کودک هر فرد انسانی ذکور زیر ۱۵

سال تمام قمری و هر فرد اناث ز ۹ سال تمام قمری است که پس از رسیدن به این سن دیگر کودک محسوب نشده و بزرگسال خواهد بود.^۲

لیکن چنانچه بلوغ مساوی با بزرگسالی نباشد و بین کودک و طفل رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار باشد در این صورت باید گفت هر طفلی کودک است لیکن برخی کودکان طفل هستند و برخی کودکان طفل نیستند. که در این صورت با توجه به تعریفی که در قوانین داخلی ایران از طفل ارائه شده، باید گفت طفل هر فرد انسانی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد لیکن این امر به معنی خاتمه دوران کودکی و ورود به بزرگسالی نیست.

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک اشعار داشته: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است ..» که صرفنظر از پذیرش یا عدم پذیرش این تعریف در حقوق داخلی باید گفت که هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال اعم از اینکه بالغ باشد یا خیر، کودک محسوب شده و پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام که مساوی با تکمیل قوای عقلی فرد است بزرگسال محسوب می گردد. از نظر حقوقی نیز کودک به فردی اطلاق می گردد که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و از رشد عقلی و فکری لازم نیز برخوردار نباشد.

گفتار دوم: بلوغ

بلوغ، در لغت به معنی «رسیدن» و در مفهوم عبارت است از رسیدن طفل به حال احتلام (در مرد) و حیض یا حمل (در مورد زنان).^۳

از سوی دیگر گفته شده بلوغ عبارت است از رسیدن ذکور یا اناث به سنی که تمایل جنسی پیدا می کنند.^۴ «بلوغ» با توجه به شرایط جسمی، خانوادگی و محیطی در افراد مختلف در سنین مختلف حادث می شود و لذا امری طبیعی است که با توجه به طبیعت افراد، فرق می کند و تعیین سن معینی برای آن دارای اشکال

^۲سایت حقوق ایران www.irbar.com

^۳امامی، حسن، حقوق مدنی، ۱۳۶۸، نشر اسلامی، چاپ هفتم، ج ۱، ص ۲۰۵

^۴همان ص ۲۰۵

است. توجه به آیه ۵ سوره نساء نیز مؤید این مطلب است که رسیدن به سن نکاح (قابلیت جسمی برای ازدواج) نشانه بلوغ است. بنابراین تعیین سن می تواند اماره ای بر بلوغ باشد، آن هم نه اماره ای مطلق بلکه اماره ای نسبی که خلاف آن قابلیت اثبات داشته باشد. «واقعیت این است که دختران در ۹ سالگی غالباً به حد بلوغ نمی رسند^۵ و بلوغ در سن ۹ سالگی، بلوغ زودرس است و از آنجا که اماره وقتی می تواند اماره محسوب شود که دایمی یا حداقل غالبی باشد، لذا نمی توان سن ۹ سالگی را اماره بلوغ دانست».

در نظام اسلامی حد بلوغ شرعی - مترادف بلوغ جسم و رشد عقلی - مبین سنی است که فرد توانایی پذیرش مسوولیت اجتماعی و حقوقی را دارا باشد.

عده‌ای را اعتقاد بر آن است که «بلوغ امری است طبیعی، و محتاج به تشریح نمی باشد.»^۶ و با عنایت به آیه شریفه ۵ سوره مبارکه نساء (و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم) باید به این نظر، تمسک جست؛ تعیین سن مشخص برای بلوغ مطابق نظر مشهور فقهای امامیه نظیر آیت الله خمینی و حائری شاه باغ است، اما قابل مذاقه و مورد اختلاف است. عده‌ای از فقهای شیعه، سن ۹ سالگی را در دختران برای بلوغ کافی دانسته‌اند. از دو حال خارج نیست یا مقصودشان این است که سن ۹ سالگی در دختران موجب بلوغ آنها می گردد و شارع مقدس آن را تعبداً بالغ دانسته است، یا سن ۹ سالگی را اماره بلوغ دانسته‌اند. حضرت آیت الله سید محمد حسن مرعشی در تبیین این دو نظر می فرمایند: «اگر مقصودشان شق اول باشد، درست نیست؛ زیرا در بعضی از روایات، علت بلوغ آنان را در سن ۹ سالگی، حیض آنان قرار داده و بدیهی است که در این ص ورت ملاک بلوغ جنسی و طبیعی آنان است که حیض، کاشف آن است... چنانچه مقصودشان شق دوم باشد، آن را اماره طبیعی برای بلوغ می دانند» ایشان در بیان نظر خویش راجع به بلوغ چنین آورده‌اند: در بلوغ نیازی به بیان شارع نیست. زیرا بلوغ از امور طبیعی است و در لغت و عرف ش ناخته شده است و از موضوعات شرعی نیست که جز از طریق شارع قابل شناخت نباشد.^۷

در سال ۱۹۹۸ قانونگذار انگلستان اطفال ده تا چهارده سال، واجد مسؤلیت کیفری دانست. اگرچه ممکن است در وهله نخست، این اقدام ناقض جدی حقوق کودکان به شمار آید، قضاوت در این باره، نیازمند توجه به تغییرات دیگری است که همزمان با این اقدام صورت پذیرفت. همگام با آن، قانونگذار تحولات عمیقی را در نوع واکنشهای اجتماعی که نسبت به بزهکاری اطفال صورت می گیرد، پدید آورد که محور این تحولات، توجه به اقدامات اصلاحی تربیتی و نیز پیشگیری زودرس بود؛ بدین ترتیب، قانونگذار انگلستان به جای آنکه اطفال

^۵ پارسا، مهرداد، دایره المعارف پزشکی در خانواده، ۱۳۶۲، نشر اکباتان، ص ۳۰۱-۳۰۲

^۶ همان ص ۲۰۵

^۷ - مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاههای نو در حقوق کنونی اسلام، ۱۳۷۳، نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۱ و ۲۲

بزهکار را به حال خود رها کند و منتظر رسیدن آنان به سن مسئولیت کیفری و اعمال واکنشهای سنتی شود، در فرایند رشد و جامعه پذیری آنان دخالت کرده، سعی در جلوگیری از ریشه گرفتن عادات مجرمانه دارد. ابزار این رویکرد، انواع قرارهای معرفی شده در قوانین مربوطه است.^۸

گفتار سوم: جنون

جنون در لغت به معنی پوشیده گشتن و پنهان شدن است. در اصطلاح کسی که بر اثر آشفتگی روحی و روانی عقلش پوشیده مانده و قوه درک و شعور را از دست داده است مجنون می نامند.^۹ در واژگان فقهی جنون و عقل در مقابل هم به کار رفته است. عقل مهمترین رکن مسئولیت است.^{۱۰} جنون به معنی مصطلح کلمه عبارت است از افول تدریجی و برگشت ناپذیر حیات روانی انسان، یعنی توانایی درک، احساس و اختیار. با نگاهی به تاریخ تحولات کیفری و با دیدن تشتت آرای قضات و صاحب نظران در شناخت مفهوم جنون می توان دریافت که در گذشته های دور رویه ای یکسان در برخورد با مقوله جنون و مسئولیت کیفری مجانی وجود نداشت اما با تبیین این واژه و تعامل روز افزون علم حقوق و علم روانشناسی و پزشکی قانونی و حرکت جوامع و حکومت ها به سوی عدالت شاهد حرکت به سوی وحدت رویه ای برای برخورد و تعامل با این مقوله در سراسر جهان می باشیم. در همه قوانین کیفری، رفع مسئولیت جزایی و عدم مجازات مجرم مشروط به اثبات ناتوانی فرد از تشخیص درست و نادرست نیز با ناآگاهی فرد از نتیجه رفتار خود است.

بر اساس اکثر قریب به اتفاق قوانین جزایی دنیا، مجرمین فاقد مسئولیت کیفری، نمی توانند موضوع مجازات کیفری قرار گیرند ولی دادگاه می تواند درباره اقدامات لازم جهت بازپروری و حفظ امنیت جامعه با کمک متخصصان پزشکی قانونی تصمیم گیری کند. چنین اقداماتی صرفاً پیشگیرانه است. این تدابیر می توانند آموزشی (نظیر بکارگیری در موسسات آموزشی ویژه)، درمانی (نگهداری در بیمارستان های روانپزشکی حفاظت

^۸ برگرفته از سایت shiraz-low.blogfa.com تاریخ ۹۰/۱۲/۱۳ مقاله دکتر پاکنهاد حقوق حرفه ای - بانک مقالات و جزوات حقوقی

www.prolaw.ir

^۹ اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۶، نشر میزان، ج ۱۴، ص ۲، ص ۷۹

^{۱۰} همان ص ۷۹

شده) و یا حمایتی (ممنوعیت نسبت به برخی مشاغل) باشند. در حالی که این اقدامات توسط دادگاه تحت عنوان مجازات‌های تکمیلی برای مجرمین دارای مسئولیت کیفری اتخاذ می‌شود، برای مجرمین فاقد مسئولیت کیفری، به عنوان مجازات اصلی خواهد بود. هر چند در اکثر قوانین جزایی به دلیل تفاوت در درک ماهیت اختلالات روانی از منظر روانپزشکی و حقوقی، نظر قاضی و یا هیئت منصفه نهایتاً تعیین کننده است اما در برخی از بازنگری‌های قانونی این اختلافات کمتر شده است.^{۱۱}

قوانین بهداشت روانی به ساده‌ترین شکل ممکن اختلالات روانی را به منظور دسترسی بهتر دستگاه‌های قضایی و تصمیم‌گیری در زمینه مسئولیت کیفری طبقه‌بندی نموده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها هر چند دارای اشکالاتی می‌باشد ولی با در نظر گرفتن این موضوع که مباحثه درباره مسئولیت کیفری در ارتباط با مجرمین مبتلا به اختلالات روانی و در نهایت با توضیحات علمی و تخصصی روانپزشکان قانونی همراه می‌شود این اشکالات را به حداقل می‌رساند.

البته واضح است که پیچیدگی‌های روان آدمی به اندازه‌ای است که نمی‌توان طبقه‌بندی فوق‌العاده دقیقی ارائه داد اما بر اساس بعضی از جنبه‌های مشترک می‌توان اختلالات مشابه را تقسیم‌بندی نمود. دو طبقه‌بندی مهم که بیشترین کاربرد را در بین روانپزشکان قانونی دارد عبارتند از: کتابچه تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM). ملاک تشخیص چنین اختلالاتی، علایمی است که هر یک از خود بروز می‌دهند و مورد توجه روانپزشکان قرار می‌گیرند. از جمله علایم می‌توان از: هذیان، توهم، تقص شدید در شکل یا جریان تفکر، اختلال شدید خلقی، نقص شدید شناختی، رفتار غیرمنطقی دایمی و مکرر و ناتوانی چشمگیر در مراقبت از خود نام برد.^{۱۲}

وجود هر یک از این علایم بر حسب تشخیص روانپزشک قانونی به عنوان متخصص امر می‌تواند مصداقی از جنون رافع مسئولیت کیفری باشد. اما در برخی موارد علیرغم همه تلاش‌های روانپزشکان قانونی و دادرسی‌های دقیق قضایی، باز هم با مواردی مواجه می‌شویم که تعیین داشتن مسئولیت و رفع مسئولیت بسیار دشوار است. که از جمله آنها برخی بیماران روانی مبتلا با اختلال شخصیت، اختلالات روانی با منشأ عضوی، عقب‌ماندگی‌های ذهنی و اختلالات ناشی از عیوب تکامل قوای شعوری می‌باشد.

به نظر می‌رسد که بنا نمودن تمامی تصمیم‌گیری‌های قضایی بر اساس این پرسش که آیا متهم دچار جنون بوده یا خیر در برخی موارد چالش‌های زیادی را ایجاد می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها را بسیار دشوار می‌نماید.^{۱۳}

^{۱۱} صناعتی زاده، حسین، پزشکی قانونی، ۱۳۸۷، نشر دادگستر، چاپ اول، ص ۸۱
^{۱۲} استقلنی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولک، برنار، حقوق جزای عمومی انگلیس، ۱۳۸۳، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص

گفتار چهارم: مسئولیت

مسئولیت معادل واژه انگلیسی (Responsibility) است و در لغت معاصر ایران به معنی عهده دار بودن است. مفهوم اصطلاحی آن از نظر فقهی، اداری، انضباطی و قانونی دارای معانی متفاوتی میباشد. مسئولیت در فقه به معنی ضمان است. ضمان عبارت از خسارت چیزی بر عهده کسی دیگری قرار گرفتن است. قانونگذار در ماده ۲۹۴ ضمان را همان دیه یا ارش تعریف کرده و آن مالی است که در جرایم شبه عمد و خطای محض و یا در مواردی که قصاص میسر نباشد جانی یا عاقله او باید به مجنی علیه بپردازد.^{۱۴} مسئولیت در حقوق ایران: در حقوق ایران مفهوم مسئولیت در دو مقوله جداگانه مدنی و کیفری مورد توجه حقوقدانان و قانونگذار قرار گرفته است.

مسئولیت مدنی: همان الزام به پاسخگویی فرد در مقابل خسارات وارده به یک شخص که ضمانت اجرای کیفری ندارد و در محتوای آن در تقسیم بندهای حقوقی به دو گونه تعریف شده است ۱- مسئولیت قهری: مسئولیت قهری هنگامی بوجود می آید که بر اثر نقض وظیفه‌ای قانونی زبانی به کسی برسد (مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ و ۳۰۸ و ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی) که سبب آن را تسبیب، اتلاف و غصب اعلام نموده است ۲- مسئولیت قراردادی: این مسئولیت هنگامی محقق می شود که خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد و قرار دادی قانونی باشد که بین زیان دیده یا متعهد له و متعهد منعقد شده است.

مسئولیت از نظر کیفری: مسئولیت کیفری اشخاص صغیر یا کبیر از اوصافی در وجود مرتکب بحث می کند که امکان منطقی تحمیل مجازات را بر مرتکب صحیح و منطقی می نماید چرا که دیری است که صاحب نظران جزایی ایرانی و غیر ایرانی بر این بلورند که مسئولیت کیفری در برابر جرم، در گرو وصف خاص و مرهون حالت ویژه ای است نزد مرتکب که در غیاب آن، تحمیل کیفر منطقا و عقلا ناممکن می نماید. در فقه نیز بحث مسولیت کیفری در فرض وجود اوصافی در وجود مرتکب از قبیل عقل، بلوغ و اختیار و قصد و اراده مشروعیت دارد. از این رو مسئولیت کیفری و اهلیت جزایی و تقصیر جزایی به عنوان ارکانی از آن، جدای از نهادهای جرم و مجازات مورد بررسی قرار می گیرد. اهلیت جزایی بر ادراک، اختیار و علم به قانون استوار است به طوری که عدم هریک از آنها عدم اهلیت جزایی را به دنبال دارد.^{۱۵}

در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است.

^{۱۴} باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۱، انتشارات رهام، چاپ اول، ص ۶۱.

^{۱۵} همان، ص ۷۰.